

موسیقی در عهد ساسانی

قسمت سوم

علی - سامی

در حال رقص معمولاً پائین لباس پیدا میشود ، کاملاً در نقش نمایانده شده است .

در یک بشقاب بزرگ نقره ، شاه بر تختی نشسته و چنگ زنی و نی زنی در برابر او مشغول نواختن هستند و در یک ظرف دیگر از همین نوع شکل بانوی نی زنی ، کنده گری گردیده که بر حیوان افسانه‌ای اژدها سوار و مشغول نی زدن میباشد . نی در این نقش بشکل شیپور میباشد و بانوی نی زن روی خود را بعقب برگردانیده و مشغول زدن نی است .

در نقوش برجسته بدنه طاق بستان کرمانشاه که منظره شکارگاهی حجاری شده ، در یک مجلس نقش چند دختر چنگ زن که در قایق نشسته و در دنبال شاه که در روی مردابی مشغول شکار است ، در حرکت و بنوازندگی چنگ مشغولند . پشت سر خسرو پرویز در نقش اولی نوازندگانی قرار دارند که دو نفر از آنها شیپور و دیگری تنبور میزند . در جای دیگر نردبانی کنار سکو قرار دارد و بر بالای آن زنان چنگ نوازی قرار دارند و بعضی از آنها کف میزنند (دستک) . در نقش شکار خوک وحشی باز عده‌ای از نوازندگان مشغول نواختن و زنی در کنار پادشاه ایستاده و چنگ میزند . این صحنه‌ها در روی گچ بریهای عهد ساسانی نیز دیده شده . داستان بهرام گور و ساز زدن آزاده معروف و بر روی مهره‌های اواخر عهد ساسانی نقش گردیده است .

ابن خلدون در مقدمه تاریخ خود میگوید : « موسیقی در نزد ایرانیان پیش از اسلام کاملاً مطلوب و محبوب بوده و رواج بسیار داشت و پادشاهان توجه و علاقه زیادی باهل فن موسیقی مبذول می نمودند و خنیاگران و موسیقی دانان را در دربار پادشاهان ایران منزلت و مقامی بس ارجمند بوده است . »

جای دیگر مینویسد : « در دولت ساسانیان در ولایات و شهرهای ایران بحر ذخاری از موسیقی وجود داشته است . »
کریستن سن نوشته است :^۱ « روایات موجوده اختراع

علاقه شاهان ساسانی بموسیقی و طرب و مجالس بزم ، از روایات تاریخ نویسان و گویندگان و از روی نقوشی که بر روی ظرفهای سیمین کنده گری شده و موزائیکهای پیدا شده در شاپور کازرون و گچ بریهای یافت شده در ری و نقوش برجسته کاملاً نمودار میباشد .

نقش یکی از موزائیکهای نفیس پیدا شده در ویرانه‌های پیشاپور کازرون در پائیز سال ۱۳۱۹ یک زن نوازنده‌ای را مینمایاند که نشسته و شیئی مانند چنگ در دست دارد و بر موزائیک دیگر ، بانویی با جامه بلند که بروی زمین افتاده و گلی افشان در دست چپش گرفته ، در حال رقص ، طراحی گردیده است . روی ظروف سیمین عهد ساسانی گاهی صحنه‌های جالب زیبایی از مجلس شکار و بزم و موسیقی و رقص حکاکی شده که از لحاظ اطلاع و بررسی روی لباس و طرز حرکات رامشگران و شکل لباس و آرایش کاملاً جالب و با ارزش میباشد و همه آنها ذوق هنری سرشار شهریاران ساسانی و قدر و مقام رامشگران و نوازندگان دربار را میرساند .

بر روی سه ظرف سیمین کدر ۱۳۳۴ خورشیدی جهت موزه ایران باستان خریداری گردیده ، بانوانی در حال نواختن چهار آلت موسیقی آن عهد (بربط ، سُرنا ، قاشقک ، ارغنون یا ارگ دستی) دیده میشود . در چهار طرف یک تنگ نقره همان موزه ، بانوی هنر پیشه‌ای را در چهار حالت نمایانده است . این بانو گیسوانی بلند و کلاهی بر سر و پارچه اشارپمانندی بردوش دارد . در یک حالت شاخ گلی به یکدست و ظرفی در دست دیگر دارد . در طرف دیگر همین بانو شیئی شبیه بحلته یا قاشقک در دست راست و گلی در دست چپش دارد . در تصویر سوم عودسوزی بدست چپ و شاخه گلی بدست راست گرفته و در شکل چهارم دم روباه و پرنده‌ای را بدست گرفته است .

در تمام این چهار حالت ، وی بانوک پنجه میرقصد . لباس بانوی هنر پیشه عهد ساسانی در هر چهار حالت بلند و مانند لباسهای دراز بانوان تاپشت پاکشیده شده و همان چین‌هایی که

دستگاههای موسیقی ایران را به بارید نسبت میدهند، در واقع این مقامات پیش از بارید هم وجود داشته ولی ممکن است که این استاد در آنها اصلاحات و تغییراتی وارد کرده باشد؛ در هر حال بصورتی که در آمده است آنرا منبع عمده موسیقی عرب و ایران بعد از اسلام باید شمرد و میتوان گفت که در ممالک اسلامی مشرق، هنوز الحان بارید باقی است، زیرا که شرقیان در این رشته از صنعت بسیار محافظه کارند».

علاوه بر آهنگهایی که در مقاله گذشته ذکر شد، نام چند آهنگ و داستان دیگر که رو به مرفته ۱۴۸ آهنگ میشود توسط پژوهندگان گردآوری و ضبط گردیده است که عیناً نقل میشود:^۱ آئین جمشید، آرایش خورشید، آزادوار، ارچنه، اشکنه، افسر بهار، افسر سگری، انگبین، اورنگی، باخزر، باد نورو، باده، باد روزنه، باغ سیاوشان، باغ شهریار، باغ شیرین، بسته، بسکنه، بند شهریار، بوسیلیک، بهار بشکند، بهمجنه، پالیزبان، پرده خرم، پرده زنبور، پیک گرد، تخت اردشیر، تخت طاقدیس، تکاو، تیزی راست، تیگلنج، جویران، چفانه، چکاوک، چگک، جقه کاوس، خارکن، خسرو، خسروانی، خماخسرو، درغم، دلانگیزان، دنه، دیرسال، دیف رخس یا دیو رخس، راج و روح، راست، رامش جان یارامش جهان، رامش خوار، راه گل، راه ماوراءالنهری، راهوی، روشن چراغ، رجامه داران، زاغ، زنگانه، زیرافکن یا زیرافکنده، زیر بزرگان، زیر خرد، زیر قیصران، سازگری، ساز نورو، سایگاه (شاید سه گاه)، سبز بهار، سبز درسبز، سپاهان، سپهدان، ستا، سرانداز، سرکش، سروستان، سرود پارس، سرو و سپاه، سروستا، سروستان، سروسهی، سیاوشان، سیسم، سیوارتیر، شادباد، شادروان مروارید، شاورد، شاهی، شهاب، شبدیز، شب فرخ، شنجج، شکر نوین، شهر رود، شیشم، عراق، عشاق، غنچه کبک دری، فرخ روز، قالوس، قفل رومی، قیصران، کاسه گری، کبک دری، کیخسروی، کین ایرج، کین سیاوش، گاوی زنه، گل، گلزار، گلنوش، گنج باد، گنج باد آورد، گنج ساخته، گنج سوخته، گنج فریدون، گنج کاروان، گنج وار، گنج گاو، مادر روستان (شاید ماه روشن)، ماده، ماه برکوهان، مروای نیک، مشکدانه، مشک مالی، مشکویه، مویه زال، مهربانی، مهرگان بزرگ، مهرگان خرد، مهرگانی، امی بر سر بهار، ناز نورو، نافوسی، نخجیرگان، نوا، نوبهاری، نورو بزرگ، نورو خارا، نورو خردک، نورو کیقباد، نوش، نوشین باده، نوشین لبینان، نهانندی، نهفت، نی بر سر بهار، نی بر سر شیشم، نی بر سر سگری، نیم راست، نیمروز، هفت گنج.

در اشعار سخنوران نامی ایران بعد از اسلام گاهی نام

این آوازا و دستگاهها منعکس است. منوچهری میگوید:
مطربان ساعت بساعت بر نوای زیروبم
گاه سروستان زندامروز و گاهی اشکنه
گاه زیر قیصران و گاه تخت اردشیر
گاه نورو بزرگ و گاه نوای بشکنه
گاه نوای هفت گنج و گاه نوای گنجگاو
گاه نوای دیف رخس و گاه نوای ارچنه
داستانهای دیگر در وصف جاه و ثروت و خزانه های خسرو
و جشنهای فصول و بهار و مناظر طبیعی بود که ضمن آهنگها
و داستانها شمرده شد.

آلات موسیقی زمان ساسانیان

از آلات و اسباب موسیقی این عهد آنچه از گفته های تاریخ نویسان اسلامی و شاهنامه فردوسی و نقوش روی سنگها و ظرفهای سیمین برمی آید بشرح زیر خلاصه میگردد:
مسعودی بنقل از این خرداذبه مینویسد که: «ایرانیها، نی را که باعود^۲ نواخته میشود و نی دو لوله که باطنبور زده میشود و «چنگ» را که با «سمبال» زده میشود اختراع کرده اند... ایرانیها آواز را باعود یا چنگ همراه میکردند و این دو آلت موسیقی از اختراعات خود آنها بوده.»
خراسانیها در موسیقی آلتی بکار میبردند که هفت تار داشت و «زنج» مینامیدند ولی اهالی طبرستان و ری و دیلم «ماندولین» را ترجیح میدادند و بنظر ایرانیها «ماندولین» برتر از همه آلات موسیقی بوده است.
در کتاب پهلوی «خسرو پسر قباد و غلام» از این آلات موسیقی نام میبرد^۳: عود معمولی، عود هندی (ون)^۴، بریط، چنگ، تنبور، تنبور بزرگ ازمس، سنتور (کنار)^۵، زنگ، نای، قره نی، تاس، دمیک، زیل (چنگ ائولی) یا «اندرای» و چند آلات موسیقی دیگر که تشخیص آنها مشکل است مانند زنجیر، تیر، سپر، شمشیر، مشتک، رسن، وندق، شیشک، کبیک و تعداد دیگری که خواندن آنها مطمئن نیست. غلام اضافه میکند که بین زنان خواننده، آلهائی که صدایشان نازکتر و صافتر است بر دیگران ترجیح دارد.
تعالی بزبان عربی به پاسخ این غلام اشاره و میگوید:

- ۱ - صفحه ۳۴۴ ایران در زمان ساسانیان تألیف کریستنسن ترجمه استاد فقید رشید یاسمی
- ۲ - تاریخ تمدن ساسانی تألیف استاد فقید سعید نفیسی صفحه ۱۳
- 3 - Luth.
- ۴ - کریستنسن کتاب تمدن ایرانی صفحه ۲۰۱
- 5 - Vin.
- 6 - Kannar.

«بهترین موسیقی آن است که صوتی از یک آلت موسیقی تاردار بیرون آید و شباهت با آواز پیدا نماید. یا آوازی که تغییرات فواصل آن شباهت صدای تار داشته باشد. بعبارت دیگر موسیقی «برید» چهارتاری، چنگی که خوب کوك شده باشد، «گیتار» و نای ساده، بیات اصفهان (اسپهانك)، آوازنهاوند (نهاوندك)، آواز نیشابور (نیشابورك) و بطور کلی هر آوازی که از دهان سبیل‌دار خارج نشود بهترین موسیقی است.»^۷

در مروج الذهب مسعودی از قول ابن خردادبه آلت موسیقی زمان ساسانی را چنین نام میبرد^۸: «نای، تنبور، سورنای، چنگ و براین میافزاید که «خوانندگی ایرانیان باعود (نای) و چنگ بوده و این دو از ایشان بود، همچنانکه نغمه‌ها و اوزان موسیقی و مقطعه‌ها و هفت راه موسیقی موسوم به: راه‌های خسروانی را ایشان بوجود آوردند و این هفت راه است که حالات و طبایع روح را بیان میکند. اولین آنها سکاف است و آن بیش از همه متداول است و حافت‌ر و مقطعه‌های آن واضح‌تر و زیر و بم آن بیشتر، و نیکوئی‌های موسیقی در آن جمع‌تر از دیگر راه‌هاست، مادار و سنان از همه سنگین‌تر است، سایگاو محبوب جانهاست، شیشم از حالی بحالی نقل میدهد، جویران (؟) درجه‌هاست که بربك نغمه موقوف است. خوانندگی

مردم خراسان با زنج بوده که آلتی است دارای هفت تار، و زخمه آن مانند زخمه چنگ است و مردم ری و طبرستان و دیلم تنبور را برتر می‌داشتند که اصلاً در قدیم نزد عموم ایرانیان بر بسیاری از آلات رجحان داشت. عود که بیشتر مردم و تمامی حکما آنرا یونانی و ساخته دانشمندان هندسه میدانند بر هیئت طبیعت‌های آدمی ساخته شده است، چه اگر تارهای آن بایکدیگر متناسب و تناسب آنها در نهایت اعتدال باشد با طبایع راست‌آید و رامش و شادی بخشد، و شادی روان را بیکباره بحال طبیعی باز میگرداند».

از سازهای این دوره غزك، چنگ و چغانه، نای، کرنای، رباب، بربط، قاشكك، سرنا، رود، ارغنون، تنبور میباشد.

غزك: شبیه کمانچه اکنون در تاجیکستان و ازبکستان بنام غنجك متداول و در سیستان نیز نوعی از این ساز را غچك مینامند، بمعنی ساز تنبور نیز آمده. نزاری قهستانی گفته است:

۷ - کریستن سن کتاب تمدن ایرانی صفحه ۲۰۱

۸ - وضع دربار و دولت و ملت در شاهنشاهی ساسانی تألیف

کریستن سن صفحه ۱۶۰



دف و چنگ و رباب و زنبوه

غنچک و نای و بربط و تنبور

چنگ: به پهلوی کنگ^۹ از کهنترین آلات موسیقی ایران

که بسیار خوش صدا و دارای تارهاست بانگستان آرا می‌نواخته و نوازنده حتماً باید زن باشد با گیسوان افشان. قبل از ایرانیها سومریها، مصریها، عیلامیها و آشوریها این آلت طرب را داشته‌اند. در اروپا این ساز تکمیل شده و بنام هارپ معمول است. چنگ سغدی معروف بوده است، که هفت رشته سیم داشته. معرب آن صنج است و این صنج با سنج امروزی فرق داشته است.

چغانه: (بروزن ترانه) قانون نیز آنرا گفته‌اند. آلتی

شبهه مشت پنبه‌زنی.

نای: همان مزمار عربی. کوچکتر از کرنا.

کارنای: یا کرنا مرکب از کریاکار بمعنی چنگ و نای.

یعنی نای جنگی. بوقی دراز که در قدیم هنگام جنگ استعمال می‌نمودند. فردوسی گوید:

خروش آمد و ناله کرنا

برفند گردان لشکر ز جای

رباب: سازی بود شبهه تنبور و سه تار که کاسه کوچک

و دسته‌ای بلند داشته بروی آن بجای تخته، پوست آهو میکشیده‌اند.

بربط: چون شکمی شبهه مرغابی (بط) داشته، بنابراین

بدین نام نامیده شده. بعدها در دوره اسلامی به‌عود موسوم گردیده. این آلت موسیقی از ایران بیونان و روم برده شد و به باریتوس^{۱۰} تبدیل شد. ولی پس از آنکه به باختر زمین رفت در شکل و تعداد سیمهای آن بتدریج تغییراتی دادند و در قرن شانزدهم میلادی بشکل یک عود بزرگ بادسته‌ای توخالی و پهن درآمد که هفت تار سیم روی آن بسته بودند و آنها را میکشیدند و رها میکردند تا بصدا درآید.

تنبور: از تابور^{۱۱} گرفته شده و بسیاری از دانشمندان

و علمای علم موسیقی آنرا از واژه تیره فارسی میدانند که نوعی طبل استوانه‌ای شکل کمر باریک است و حدس می‌زنند که هنگام جنگهای صلیبی باروپا برده شده است.

ناکر^{۱۲}: همان نقاره و آتابال^{۱۳} همان طبل است. ربک^{۱۴}

همان رباب فارسی است^{۱۵}.

سرنا: مخفف سورنای (نای سور) که در نقارخانه‌ها

و روزهای جشن و سور و سرور نوازند و آنرا نای رومی نیز گویند.

ارغنون: سازی است مشهور که گویند افلاطون آنرا

تعبیه کرده.

شپور: از آلات موسیقی خیلی قدیمی بوده که از مس

یابرنز یا طلا ساخته شده با کرنا بیشتر در مواقع رزم مورد استعمال

قرار می‌گرفته.

آمین مارسلین تاریخ‌نویس رومی ضمن تشریح جنگهای شدید ایران در زیر حصار شهر دیاربکر (آمد) از صدای شپورهای سپاهیان ایران یاد میکند. البیره ضمن گزارش جنگ ایرانیان و آرامنه مینویسد که سربازان ایرانی با صدای شپور جنگ را شروع مینموده‌اند. از شاهنامه هم همینطور برمیآید که چون صدای «کرنا» از سرپرده سلطنتی بلند میشد، نشانه جنگ بوده است.

موسیقی عرب که در زمان خلفا قوس صعودی خود را پیمود از موسیقی ایرانی اقتباس و سرچشمه گرفته است. مقام‌های موسیقی عرب، همان آهنگهای ساخته شده در زمان خسرو پرویز بود و اگر در پاره‌ای از نغمات تغییراتی داده بودند مانند همان سبک و روح نغمات ایرانی بوده و حتی آنچه را که اسلام بسایر کشورها مانند اسپانیا برد، باز سبک اصلی آن برجامانده و آهنگ ایرانی را در خلال آن میتوان شنید. هم اکنون ترانه‌های عامیانه آندلس با آنکه عربی است، لیکن باز جنبه ایرانی خود را نگاه داشته است.

اصطلاح «راست» که یکی از ۱۲ دستگاههای قدیم موسیقی ایران است مانند «راست پنجگاه» هنوز نام یکی از مقامات دوازده گانه موسیقی عرب میباشد.

موسیقی ایران با رمنستان نیز رفته و آثاری از موسیقی زمان ساسانی در آهنگ‌های موسیقی ارمنستان داخل شده از جمله یک سلسله از پرده‌های موسیقی ارمنی را «خسرو آئین» میگویند که چنین حدس زده‌اند از نام خسرو پرویز گرفته شده باشد و نیز نوشته‌اند که خسرو پرویز رامشگری داشته بنام سرکیس هوروم که گویا ارمنی بوده است.

تازیان صحرائشین که به پهنه شاهنشاهی ساسانی آمدورفت داشتند هنرنوازی و موسیقی را از ایران به همراه خود می‌بردند. نوشته‌اند که اعشی قیس شاعر معروف دوره جاهلیت عرب و سراینده یکی از قصائد سبعة معلقه درک حضور در دربار انوشیروان را کرده بود و نام بعضی از سازهای ایرانی مانند: نای، بربط، عود، چنگ، چغانه، رباب، تنبور، کمانچه، غزک را به سرزمین عربستان برد. آلت موسیقی عرب در آن زمان دف (دایره) بیش نبود و ترانه و آواز و سرودشان هم عبارت بودند از آوازهائی که شتربانان برای اشران میخواندند.

9 - Cang.

10 - Barbitus.

11 - Tabour.

12 - (Naker) Nacaire.

13 - Atabal.

14 - Rebek.